گزارش یک

سجاد آذری

میناب هم جنوب بود

«جوان» در گزارشی به تلاش وطن‌فروشان برای ایجاد شکاف بین مردم ایران در جریان تجاوز اخیر امریکایی به جنوب کشور پرداخته و دلایل شکست این تلاش‌ها را بررسی کرده‌است

چند روزی است که ارتش تروریستی ایالات‌متحده بر شدت حملات خود علیه کشورمان افزوده و عملاً از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد خارج شده‌است؛ این‌بار اما تروریست‌های امریکایی، آتش جنگ را بیشتر از قبل بر سواحل جنوبی کشور متمرکز کرده‌اند و انفجارهای گاه و بیگاه در کنار گرمای هوا و قطعی برق وضعیت را در جنوب کشور سخت‌تر از قبل کرده‌است. این روزها تصاویری منتشر شده که نشان می‌دهد حتی آهوهای جزیره خارگ نیز از ترس صداهای انفجار به خیابان‌ها آمده و به مردم پناه آورده‌اند.

همزمان با بالا گرفتن آتش جنگ در جنوب ایران، ضدانقلاب که تا دیروز نه تنها نسبت به جنایات امریکایی - صهیونیستی در کشور بی‌تفاوت بودند، بلکه از آن هم حمایت می‌کردند، تلاش دارند با سوءاستفاده از این فضا در شرایطی که امریکا عملاً و علناً تفاهم‌نامه خود با ایران را از ابتدا نقض و حتی رئیس‌جمهور تروریست این کشور نیز به شکلی علنی خروج ایالات‌متحده از این توافق را اعلام کرده‌است با ریختن اشک تمساح برای جنوبی‌ها، دولت را متهم به جنگ‌طلبی و خروج از تفاهم کنند و به شکلی از این آب گل‌آلود برای خود ماهی‌گیری کنند. همه این تلاش‌ها در حالی است که اگر به دلیل لقب خونگرمی برای مردم جنوب ایران نگاهی بیندازیم به راحتی متوجه خواهیم شد که چرا همه این تلاش‌ها آب در هاونگ کوبیدن است.

■ وطن‌فروشی ایرانیان خارج‌نشین در جنگ اخیر

پس از انتشار خبر شهادت امام آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در تجاوز امریکا و صهیونیست‌ها و در حالی که همزمان ۱۶۸ کودک نیز در میناب توسط این جنایتکاران تکه‌تکه شده‌بودند، شاهد بودیم که در برخی شهرهای محل سکونت ایرانیان خارج از کشور مانند لندن، لس‌آنجلس، تورنتو و سیدنی، گروه‌هایی از وطن فروشان تجمع‌هایی برگزار و شرکت‌کنندگان به شادی، رقص و برافراشتن پرچم «شیر و خورشید» پرداختند و بی‌تفاوت نسبت به جنایاتی که در ایران در حال انجام بود، ابراز شادمانی کردند. همزمان برخی چهره‌ها و فعالان سیاسی سلطنت‌طلب در خارج از کشور که در رأس آنها فرزند شاه مخلوع بود از حملات نظامی علیه مردم ایران استقبال کردند و آن را فرصتی برای تغییر سیاسی در ایران توصیف کردند و امیدوار بودند این حملات منجر به سقوط نظام جمهوری اسلامی و ورشکستگان سیاسی که سال ۱۳۵۷ توسط ملت ایران از کشور بیرون انداخته شده‌بودند، دوباره با تجاوز خارجی بتوانند به کشور بازگردند.

در این میان در شبکه‌های اجتماعی و برخی تجمع‌های وطن‌فروشان، پیام‌هایی در حمایت از دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو و تشکر از تجاوزات نظامی آنها به ایران منتشر شد. مواضعی که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های غربی پیدا کرد و از سوی سران تروریست امریکا و اسرائیلی نیز مورد استقبال و بازنشر قرار گرفت.

وطن‌فروشان خارج‌نشین در ادامه ضمن برگزاری تجمعات یا انتشار بیانیه‌هایی، هرگونه تفاهم متجاوزان با ایران را مورد نکوهش قرار دادند و خواستار ادامه فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی علیه ایران شدند و این اقدامات را راهی برای دستیابی متجاوزان به اهداف خود جلوه می‌دادند. همین افراد امروز اما به یکباره نگران هوای گرم جنوب شده‌اند و به نظام پیشنهاد می‌دهند زودتر تسلیم شود تا مردم جنوب کمتر سختی بکشند، درخواستی که به ایجاد تفرقه بین جنوب و شمال و شرق و غرب ایران انجام می‌شود، اما نشان می‌دهد این افراد نه تنها ایرانی نیستند، بلکه حتی نمی‌دانند چرا جنوب ایران جان ایران است.

■ جنوب ایران، جان ایران

جنوب ایران، از سواحل نیلگون خلیج فارس و دریای عمان تا دشت‌ها و نخلستان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و بخش‌هایی از استان‌های فارس، کرمان و سیستان و بلوچستان، همواره یکی از مهم‌ترین مناطق کشور از نظر تاریخی، اقتصادی و فرهنگی بوده‌است. مردمان این سرزمین علاوه بر نقش‌آفرینی در تجارت، دریانوردی و تولید انرژی، به روحیه میهمان‌نوازی، خونگرمی و احساس تعلق عمیق به سرزمین خود شهرت دارند. این ویژگی‌ها حاصل قرن‌ها زندگی در شرایط اقلیمی خاص، تعامل با فرهنگ‌های مختلف و تجربه مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی است. یکی از بارزترین ویژگی‌های مردم جنوب، برخورد صمیمانه و گرم با دیگران است. در شهرها و روستاهای جنوبی، میهمان جایگاه ویژه‌ای دارد و پذیرایی از او نه یک وظیفه، بلکه بخشی از فرهنگ و افتخار خانواده محسوب می‌شود. این روحیه در آیین‌های محلی، جشن‌ها، مراسم مذهبی و حتی روابط روزمره مردم به خوبی مشاهده می‌شود. شرایط آب‌وهوایی گرم و زندگی مبتنی بر همکاری اجتماعی نیز در شکل‌گیری این فرهنگ نقش داشته است. همدلی، مشارکت در حل مشکلات همسایگان و همکاری در فعالیت‌های اقتصادی مانند صیادی، کشاورزی و تجارت دریایی، پیوندهای اجتماعی مستحکمی میان مردم جنوب ایجاد کرده‌است.

از سوی دیگر جنوب ایران در طول تاریخ بارها در معرض تهدید قدرت‌های خارجی قرار گرفته و موقعیت راهبردی خلیج فارس و بنادر جنوبی موجب‌شده این منطقه همواره اهمیت ویژه‌ای در حفظ تمامیت ارضی کشور داشته‌باشد. مقاومت مردم جنوب در برابر استعمارگران پرتغالی در سده‌های گذشته، ایستادگی در برابر نیروهای بیگانه در دوره‌های مختلف تاریخی و نقش برجسته آنان در دفاع از مرزهای دریایی، نمونه‌هایی از حس مسئولیت و تعلق مردم این منطقه نسبت به ایران است. از رشادت شهید رئیسعلی تنگسیری در برابر تجاوز انگلیسی تا فرماندهی شجاعانه شهید علیرضا تنگسیری در جنگ اخیر نام جنوب را با پهلوانان بی‌مانند پیوند زده‌است.

در دوران دفاع مقدس نیز استان‌های جنوبی، به‌ویژه خوزستان، خط مقدم مقابله با تجاوز عراق بودند. شهرهایی مانند خرمشهر، آبادان، سوسنگرد و هویزه به نماد مقاومت ملی تبدیل شدند و مردم این مناطق، در کنار نیروهای نظامی و داوطلبان مردمی از سراسر کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در دفاع از سرزمین ایفا کردند و ایثار خانواده‌های جنوبی در آن زمان و شهدای بسیاری که تقدیم کردند، بخش مهمی از حافظه تاریخی ملت ایران است.

میهن‌دوستی مردم جنوب تنها در میدان‌های نبرد معنا پیدا نمی‌کند، بلکه در زندگی روزمره نیز نمود دارد. هزاران نفر از ساکنان این مناطق در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، بنادر، کشتیرانی، شیلات و تجارت دریایی فعالیت می‌کنند و با تلاش خود در توسعه اقتصادی کشور نقش دارند.

صیادان، ملوانان، کارکنان بنادر، کارکنان سکوهای نفتی و نیروهای خدماتی و فنی، بخشی از چرخه‌ای هستند که امنیت انرژی و تجارت دریایی ایران را پشتیبانی می‌کند. بسیاری از این مشاغل با سختی‌های فراوان، گرمای شدید، رطوبت بالا و شرایط دشوار محیطی همراه است، اما مردم جنوب سال‌هاست با صبر و تلاش، این مسئولیت‌ها را بر عهده گرفته‌اند.

جنوب ایران مجموعه‌ای از اقوام، گویش‌ها و سنت‌های گوناگون را در خود جای داده‌است. فارس، عرب، لر، بلوچ و دیگر گروه‌های قومی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و این تنوع فرهنگی، جلوه‌ای از وحدت در عین تفاوت است. آیین‌های دریانوردی، صنایع‌دستی، غذاهای سنتی و پوشش‌های متنوع، بخشی از میراث فرهنگی جنوب به شمار می‌رود. این گوناگونی فرهنگی نه‌تنها به غنای هویت محلی کمک کرده، بلکه بخشی از هویت ملی ایران را نیز شکل داده‌است.

همچنین در فرهنگ جنوبی خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد. روابط خویشاوندی، احترام به بزرگ‌ترها و مشارکت جمعی در مناسبت‌های مختلف، موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بالایی در این منطقه شده‌است. در زمان وقوع حوادث طبیعی مانند سیل یا زلزله نیز نمونه‌های متعددی از همیاری و کمک‌رسانی مردم جنوب به یکدیگر و به سایر هموطنان مشاهده شده‌است.

■ سخن آخر

سخن آخر اینکه در شرایطی که خونگرمی و میهن‌پرستی مردم جنوب ایران را می‌توان حاصل ترکیب تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و تجربه‌های مشترک دانست. میهمان‌نوازی، روحیه همدلی، تلاش اقتصادی، دفاع از مرزهای کشور و حفظ هویت فرهنگی، از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که این منطقه را به یکی از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی ایران تبدیل کرده‌است و همین ویژگی‌ها موجب‌شده تلاش‌ها برای ایجاد تفرقه بین مردم نقاط مختلف ایران از جمله ایرانیان جنوب کشور مضحک به نظر برسد آن هم در شرایطی که همگان به خوبی دیده‌اند وطن‌فروشان سلطنت‌طلب چگونه روی خون فرزندان آنها در میناب و لامرد رقصیده‌اند و از جنایت امریکایی‌ها علیه ناو دنا و جماران که منجر به شهادت فرزندان آنها در نیروی دریایی شد، ابراز شادمانی کرده‌اند. در این شرایط باید به همه وطن‌فروشان یادآوری کرد که میناب هم جنوب است، ولی شما وطنی ندارید که دیروز یا امروز نگران آن باشید.

ویژه

جهش ماهواره‌های راداری ایران

رئیس سازمان فضایی از رونمایی «راد ۱» به‌عنوان نخستین گام ایران در توسعه خانواده ماهواره‌های راداری خبر داد.

حسن سالاریه، رئیس سازمان فضایی اظهار کرد: یکی از دسته‌های ماهواره‌های سنجشی که هم‌اکنون در کشور در دست طراحی و توسعه است، ماهواره‌های راداری هستند. مهم‌ترین مزیت این ماهواره‌ها، امکان تصویربرداری از سطح زمین در همه شرایط آب‌وهوایی است.

وی افزود: ماهواره‌های راداری در باندهای فرکانسی خاصی تصویربرداری می‌کنند که در آنها موانعی مانند ابر و گردوغبار، مانع عبور امواج الکترومغناطیسی نمی‌شود. این در حالی است که ماهواره‌های تصویربرداری اپتیکی یا مرئی، در شرایطی مانند پوشش ابری، برف یا وجود موانع روی عوارض سطحی، با محدودیت جدی در تصویربرداری مواجه می‌شوند.

رئیس سازمان فضایی ایران ادامه داد: ماهواره‌های راداری چنین محدودیتی ندارند. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی که در بخش زیادی از سال با شرایط جوی نامساعد و پوشش ابری روبه‌رو هستند، استفاده از ماهواره‌های راداری اهمیت بیشتری دارد و به همین دلیل، تعداد این ماهواره‌ها در اختیار آنها بیشتر است.

سالاریه گفت: در کشور ما نیز با توجه به وجود پدیده‌هایی مانند گردوغبار در برخی فصول سال و نیز پوشش ابری در دوره‌هایی از سال، امکان تصویربرداری مستمر از سطح زمین با ماهواره‌های اپتیکی همواره فراهم نیست. بر همین اساس، طراحی و ساخت ماهواره‌های راداری در کشور آغاز شد.

وی تصریح کرد: ماهواره‌های راداری از نظر فناوری، در سطحی بالاتر از ماهواره‌های اپتیکی قرار دارند؛ چراکه از نظر دقت، نشانه‌روی و برخی الزامات فنی، پیچیدگی بیشتری دارند.

رئیس سازمان فضایی با اشاره به برنامه‌های کشور در این حوزه افزود: در حال حاضر، دو خانواده از ماهواره‌های راداری با نام‌های «راد ۱» و «راد ۲» در کشور تعریف شده‌اند. «راد ۱» به‌زودی رونمایی خواهد شد و توسعه سایر نمونه‌ها نیز در دستور کار قرار دارد. دقت تصویربرداری در این ماهواره‌ها متفاوت است، اما همگی در یک خانواده قرار می‌گیرند.

سالاریه درباره کاربردهای این ماهواره‌ها نیز گفت: کاربرد ماهواره‌های راداری مشابه ماهواره‌های سنجشی اپتیکی است، با این تفاوت که محدودیت‌های ناشی از شرایط جوی را ندارند. به عبارت دیگر، در شرایط ابری، گردوغبار یا بارش برف نیز می‌توان از آنها برای تصویربرداری استفاده کرد.

گزارش ۲

مهسا گربندی

انتظار برای امتحان

برگزاری امتحانات نهایی در ۴ استان جنوبی کشور به تعویق افتاد

برای دانش‌آموزی که هفته‌ها برای یک امتحان سرنوشت‌ساز آماده شده، گاهی انتظار از خود آزمون دشوارتر است! این روزها در چهار استان جنوبی کشور، داوطلبان پایه دوازدهم در کنار نگرانی‌های ناشی از شرایط بحرانی ناشی از جنگ، با یک بلاتکلیفی تازه روبه‌رو شده‌اند، اینکه امتحان‌هایشان باز هم به تعویق افتاده‌است.

انگار در کنار تمام محرومیت‌های ناشی از تحصیل برای دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار جنوب کشور، این‌بار مشکلاتی بیش از همیشه برای آنها ایجاد شده‌است. هر چند تعویق امتحانات نهایی در هرمزگان، بوشهر، خوزستان و سیستان و بلوچستان، تصمیمی برای توجه به شرایط ویژه این مناطق بود، اما وقتی این تصمیم بر زندگی و آینده هزاران دانش‌آموز اثر می‌گذارد، نیازمند آن است که همه ابعاد و پیامدهای آن نیز به‌طور شفاف مشخص شود. از زمان برگزاری این آزمون‌های لغوشده گرفته، تا نحوه مدیریت ادامه امتحانات و چگونگی حفظ شرایط عادلانه برابر برای همه داوطلبان. یکبار دانش‌آموزان گرفتار محرومیت‌های ناشی از تحصیل می‌شوند و بار دیگر محرومیت امتحانات نهایی و شرایط استرس‌زای دیگری نصیب‌شان می‌شود. باری که متأسفانه گاه سنگین‌تر از دوش آنهاست.

این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که سوابق تحصیلی سهم ۶۰ درصدی در پذیرش دانشگاه‌ها دارد و هر تغییر در روند برگزاری امتحانات نهایی، می‌تواند برای دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان دغدغه‌های تازه‌ای ایجاد کند. باید گفت که مسئله فقط جابه‌جایی چند تاریخ در تقویم امتحانات نیست، بلکه انتظار هزاران دانش‌آموز برای دریافت پاسخی روشن درباره مسیری است که آینده تحصیلی آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ آینده‌ای که حالا دیگر مبهم‌تر از همیشه شده‌است.

■ تعویق امتحانات در ۴ استان

پس از درخواست‌های مطرح‌شده در روزهای گذشته برای تعویق امتحانات نهایی در استان‌های درگیر شرایط جنگی، وزارت آموزش‌وپرورش سرانجام از لغو برگزاری امتحانات پایه دوازدهم در روزهای پنج‌شنبه ۲۵ تیر و شنبه ۲۷ تیر در استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان و سیستان و بلوچستان خبر داد. بر اساس اعلام این وزارتخانه، برای امتحان‌های لغوشده هنوز زمان جدیدی تعیین نشده و تاریخ برگزاری آنها متعاقباً اعلام خواهد شد. با این حال، وضعیت امتحانات پس از ۲۷ تیر همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. آموزش‌وپرورش اعلام کرده درباره برگزاری یا تعویق آزمون‌های روزهای بعد هنوز تصمیم نهایی اتخاذ نشده و در صورت هرگونه تغییر، اطلاع‌رسانی خواهد شد. با این اوصاف حتی ممکن است تعویق امتحانات دیگری هم اعلام شود، شاید هم نه، هنوز هیچ چیزی مشخص نیست.

■ نبود شفافیت

تصمیم وزارت آموزش‌وپرورش برای تعویق امتحانات در چهار استان، در کنار استقبال بسیاری از دانش‌آموزان و خانواده‌های ساکن این مناطق، سؤالات و نگرانی‌هایی را نیز در میان داوطلبان و خانواده‌های دیگر ایجاد کرده‌است.

بخش قابل توجهی از این نگرانی‌ها به نقش پررنگ سوابق تحصیلی در پذیرش دانشگاه‌ها بازمی‌گردد. در شرایطی که نمرات امتحانات نهایی ۶۰ درصد در نتیجه کنکور تأثیر دارد، برخی خانواده‌ها می‌پرسند چگونه می‌توان آزمون‌هایی را که در زمان‌ها و شرایط متفاوت برگزار می‌شوند، با یک معیار واحد ارزیابی کرد.

برخی والدین معتقدند اگر شرایط به اندازه‌ای خاص بوده که برگزاری امتحانات در بخشی از کشور به تعویق بیفتد، آیا بهتر نبود که این کار برای تمام کشور انجام می‌شد؟! آنها می‌گویند تفاوت در زمان برگزاری آزمون‌ها، ممکن است بر آمادگی علمی، شرایط روحی و دیگر موارد اثر بگذارد، موضوعی که در آزمون‌های سرنوشت‌سازی مانند امتحانات نهایی، از نگاه داوطلبان اهمیت زیادی دارد.

در مقابل، گروهی دیگر می‌گویند دانش‌آموزان استان‌های درگیر نیز در شرایطی قرار داشته‌اند که برگزاری امتحان برای آنان ممکن نبوده و تعویق آزمون، تصمیمی اجتناب‌ناپذیر بوده‌است. با این حال، وجه مشترک هر دو دیدگاه، یک مطالبه است، اینکه آموزش‌وپرورش درباره نحوه حفظ عدالت در سنجش و تأثیر این تغییرات بر سوابق تحصیلی، توضیحی روشن و شفاف ارائه کند.

■ آزمون تازه!

از سوی دیگر همچنین با توجه به تأثیر ۶۰ درصدی سوابق تحصیلی در پذیرش دانشگاه‌ها، هرگونه تغییر در برنامه امتحانات نهایی، فراتر از جابه‌جایی چند تاریخ در تقویم آموزشی است و می‌تواند حساسیت داوطلبان و خانواده‌ها را افزایش دهد. دانش‌آموزان این چهار استان، در حالی که طی روزهای گذشته شرایط جنگی و تبعات آن را تجربه کرده‌اند، اکنون با نگرانی دیگری نیز روبه‌رو هستند، بلاتکلیفی درباره زمان برگزاری امتحاناتی که مستقیماً در آینده تحصیلی آنها اثرگذار است. تعویق آزمون‌ها اگرچه فرصتی برای برگزاری امتحانات در شرایطی آرام‌تر فراهم می‌کند، اما به معنای تداوم استرس و انتظار برای اعلام زمان جدید آزمون‌ها نیز هست.

به همین دلیل، بسیاری از خانواده‌ها انتظار دارند آموزش‌وپرورش، در کنار اعلام زمان جدید برگزاری امتحانات، درباره نحوه حفظ عدالت آموزشی، زمان‌بندی آزمون‌های جبرانی و سازوکارهای پیش‌بینی‌شده برای کاهش نگرانی دانش‌آموزان نیز شفاف‌سازی کند.

شاید تعویق امتحان فرصت دوباره‌ای برای برگزاری آزمون در شرایط بهتر باشد، اما برای دانش‌آموزانی که آینده تحصیلی‌شان به همین نمره‌ها گره خورده، این بلاتکلیفی، خود به یک آزمون تازه‌ای تبدیل شده‌است!

روایت دلتنگی

دنیا عیوضی

در سایه‌سار پرچم خوش‌رنگ ایران

ترافیک خیابان‌های منتهی به کشوردوست، شبیه هیچ ترافیک دیگری نبود؛ نه کلافگی داشت و نه بوق‌های ممتد عصبی. گویی رودخانه‌ای از آهن و آرزو، آرام‌آرام به سمت قلب شهر سرازیر می‌شد.

در میان این ستون صبور ماشین‌ها، چشمم به خودرویی افتاد که انگار تکه‌ای از یک جشن ملی بود؛ پشت شیشه‌اش پر بود از پرچم‌های کوچک و بزرگی که در نسیم کولر ماشین، لرزشی نجیب داشتند. سه‌رنگ زیبا، با آن نشان سرخ میانش که حالا برای ما، رنگ خون تازه وطن است.

ناخودآگاه به فکر فرو رفتم؛ در تمام این سال‌ها، هرگز این‌چنین پرچم را، نه به عنوان یک نماد تشریفاتی که به عنوان پاره‌ای از جان، در میان دست‌های مردم ندیده بودم. انگار بعد از آن حمله جنگنده‌ها به آسمان تهران، چیزی در حافظه تاریخی ما بیدار شده‌باشد. از آغاز جنگ رمضان تا همین امروز، هر چه دست ناپاک دشمن برای لرزاندن این خاک بیشتر تکان خورد، ریشه‌های این درخت کهن، عمیق‌تر در جان زمین چنگ انداخت.

دشمن نفهمید که هویت ایرانی، نه در سخن، که در «بودن» است؛ و ما چه خوب، بودنمان را لابه‌لای این رنگ‌ها پیدا کردیم.

حالا پرچم، دیگر فقط بر سردر اداره‌ها نیست. پرچم در دست کودک بازیگوش پیاده‌روست، در آینه ماشین آن کارگر خسته است، در جان خانه‌هاست. این پرچم، برای ما حالا دیگر یک «باور» است؛ باوری به این حقیقت که حتی اگر بادهای سهمگین بوزند و بخواهند سقف آسمان این خانه را فرو بریزند، این ستون‌های نامرئی ایمان است که سقف را بر سر مردم نگه می‌دارد.

ماشین که به نزدیکی خیابان «کشور دوست» رسید، سکوت عجیبی درونم حاکم شد. همان خیابانی که حالا مأمن بی‌قراران است. چقدر خوب شد که آقا، این تکه از بهشت را برای ما به یادگار گذاشت؛ این خیابان امن را که هرگاه بغض گلوگیر دوری، راه نفس را می‌بندد، می‌شویم مسافر پیاده‌روهایش. آنجا که شمع‌ها، روایتگر داستان‌های ناگفته‌اند.

وقتی کنار آن شمع‌های لرزان می‌ایستم، خیره می‌شوم به عکس‌ها، به یادبودهایی که هر کدام حرفی از اوست. رهبری که رفت، اما «پرچم» را برایمان به میراث گذاشت. او فقط یک رهبر نبود؛ او برای ما «معنا» را تعریف کرد. آقا به ما یاد داد که پرچم، فراتر از یک تکه پارچه، یادگاری است که باید با جان و دل حفظش کنیم. این پرچم، همچون نشان اصالت و شناسنامه ماست که در بحبوحه هیاهوی بدخواهان، دست‌به‌دست گشته تا به ما برسد. این پرچم، نه یک ابزار برای معرفی کشور، بلکه نوری است که در تاریک‌ترین لحظات تاریخ، راه را بر ما روشن می‌کند و بوی وفاداری را به مشام آیندگان می‌رساند؛ بویی که اگر در جان شهر بپیچد، ناامیدی رنگ می‌بازد و بذر تازه‌ای از امید در دل‌ها جوانه می‌زند.

آقا رفت تا ما بفهمیم پرچم، تنها چیزی است که در طوفان‌ها، نباید از دست بیفتد. نگاهی به اطراف انداختم؛ جوانی با چشمانی خیس، پرچمی را به شیشه ماشینش می‌چسباند. پیرزنی با دستانی لرزان، دستی بر قاب عکس رهبر شهید کشید. میان این ترافیک عاشقانه، فهمیدم که ما دیگر تنها نیستیم؛ ما صاحب یک نشانیم که در هر کجای این جهان که باشیم، سایه‌اش بالای سر باورهایمان است.

پرچم، حالا ضربان قلب ماست؛ تندتر می‌زند، رنگین‌تر می‌تپد. و این همان چیزی است که دشمن، تا ابد نخواهد فهمید. او می‌خواست ما را بی‌ریشه کند، اما حالا همه، در هر خانه‌ای، با هر پرچمی که بر دیوار کوبیده‌ایم، یک «ریشه» هستیم؛ استوار، همیشگی و در اهتزاز.

خبر

اختصاص ۲۵ میلیون تومان برای تحصیل هر کودک بازمانده

رئیس سازمان بهزیستی کشور ضمن اعلام اینکه حدود ۷ هزار کودک کار و خیابان تحت پوشش خدمات سازمان بهزیستی قرار دارند، گفت: امسال اعلام کرده‌ایم که تمام کودکان بازمانده از تحصیل تحت پوشش سازمان بهزیستی باید به صفر برسند. تاکنون ۲هزار و ۸۰۸ کودک بازمانده‌اند که برای هر کدام ۲۵ میلیون تومان سرانه در نظر گرفته‌شده‌است.

سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی با بیان اینکه رویکرد ما خانواده‌محوری است، تصریح کرد: اولویت نخست برای تمام کودکان که به هر نحوی به سازمان بهزیستی وارد می‌شوند، بازگشت به خانواده است. رئیس سازمان بهزیستی کشور ادامه داد: ما در سطح کشور سالانه حدود ۶ هزار کودک ورودی داریم که با اجرای رویکرد خانواده‌محوری، حدود ۵۰ درصد از آنها به خانواده زیستی خود بازپیوند می‌شوند. با همین رویکرد خانواده محوری، اولویت دوم ما این است که کودک وارد فرآیند فرزندخواندگی با حکم قضایی شود. در حال حاضر حدود ۱۸ هزار خانواده زیستی و بازپیوند و حدود ۲۵ هزار فرزندخوانده در کشور داریم.

وی در ادامه ضمن تشریح طرح‌های میزبان و حامی گفت: اکنون حدود ۷۰۰ مرکز شبه‌خانواده در حوزه شیرخوارگان، نوباوه، کودک و نوجوان وجود دارد. رئیس سازمان بهزیستی کشور در ادامه درباره آمار کودکان تحت پوشش سازمان بهزیستی اظهار کرد: در مجموع، حدود ۷هزار کودک کار و خیابان تحت پوشش خدمات سازمان بهزیستی قرار دارند که در حدود ۹۰ مرکز ساماندهی می‌شوند؛ از این تعداد، ۳۴ مرکز شبانه‌روزی و مابقی روزانه هستند. رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: سیاست ما کوچک‌سازی و روزانه‌سازی مراکز است، چراکه وقتی مرکز روزانه باشد، ارتباط کودک با خانواده قطع نمی‌شود. همچنین تمام پرداختی سازمان نیز با رویکرد خانواده‌محوری افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که امسال یارانه مراکز ۷۰ درصد رشد و حق پرستاری خانواده‌محور نیز ۹۰ درصد افزایش یافته‌است. همچنین حدود ۷۰ درصد اعتبارات حوزه خانواده با همین رویکرد افزایش یافته‌است.

حسینی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه در حال حاضر مسئله‌ای به نام کودکان خیابانی نداریم، گفت: البته اینطور نیست که کودک خیابانی نداریم. نباید کودک کار را فقط کودک خیابانی بدانیم؛ کودک کار در شرکت‌ها، کارگاه‌ها و معادن نیز هستند و ما به سراغشان می‌رویم. در حال حاضر به سمت رویکرد فعال و کودکان کار می‌رویم.

حسینی همچنین درباره کودکان بازمانده از تحصیل گفت: امسال اعلام کرده‌ایم که تمام کودکانی که در سازمان بهزیستی بازمانده از تحصیل هستند باید به صفر برسند. تاکنون ۲هزار و ۸۰۸ کودک بازمانده از تحصیل شناسایی شده‌اند و برای هر کدام ۲۵ میلیون تومان سرانه در نظر گرفته‌ایم و تا پایان سال باید آن را به صفر برسانیم.

ساخت و تکمیل ۶ هزار واحد مسکن مددجویی کلید خورد

کمیته امداد و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به منظور ساخت و تکمیل ۶ هزار واحد مسکن مددجویی، تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند.

تفاهم‌نامه ساخت و تکمیل ۶ هزار واحد مسکن مددجویی میان کمیته امداد و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به امضای سیدمرتضی بختیاری رئیس کمیته امداد و منوچهر خواجه دلویی رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی رسید. براساس این تفاهم‌نامه، ۶ هزار واحد مسکونی شهری در حال اجرا به روش بنیادساخت، برای متقاضیان تحت حمایت کمیته امداد، تکمیل و ساخته خواهد شد. کمیته امداد برای هر واحد مسکونی مبلغ ۴ میلیارد ریال تأمین می‌کند و مابقی از محل تسهیلات ارزان‌قیمت بانکی احداث مسکن توسط بنیاد مسکن و کمک خیران تأمین خواهد شد.